

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ دسمبر ۲۰۱۹

افتضاح "قیصاری": دستگیری یک متهم یا فرار استخباراتی؟؟

دوشنبه- ۲۵ قوس ۱۳۹۸ - کابل: از جمله مهمترین خیر های امروز، یکی هم تلاش ناکام دولت دست نشاندۀ با تمام طول و عرض آن جهت دستگیری "نظام الدین قیصاری" قبلاً یکی از افراد نزدیک به "جنرال دوستم" بود. من هم تصمیم دارم در یادداشت امروز نکات مشخصی را در زمینه باز نمایم، اما از قبل باید بنویسم که آگاهانه قلم را در موارد ذیل جولان نمی دهم:

- ۱- قیصاری که بود، به کدام جناح قدرت تعلق داشت، چه کرده بود؟
 - ۲- علل دستگیری و حبس طولانی مدت "قیصاری" چه بود؟ چرا بعد از مدتهای مدید از زندان رها گردید و شخص "غنی احمدزی" از این رهائی چه انتظاری داشت؟
 - ۳- با آن که "قیصاری" بر مبنای حکم خرنوالی، از آزادی مشروط برخوردار بود و مکلف بود تا ختم تحقیقات در کابل اقامت نماید، به دستور و فرمان چه کس و یا کسانی به مزار منتقل شد و در آنجا به بهانه حفاظت شخصی سلاح های مختلف النوع در اختیارش قرار داده شد؟
 - ۴- چه کسانی می خواستند از وی علیه "جنرال دوستم" استفاده ابزاری نمایند که قسماً در جریان انتخابات کذائی کردند و حمله فعلی بر خانه اش چه ارتباط با دیدار "دوستم" و "میلر" و چه ارتباطی به نزدیکی فعلی "عطا" و "غنی احمدزی" دارد؟
 - ۵- به این هم پردازم که حمله بر خانه "قیصاری" آیا واقعاً به منظور دستگیری وی بود و یا پیامی بود به سایر رقبای "غنی احمدزی" تا بدانند که اگر بدون قید و شرط تسلیم استبداد فاشیستی "غنی احمدزی" نگردند من بعد سرنوشت "قیصاری" در انتظار شان است.
 - ۶- به این هم بحث نمی کنم که اصولاً در خانه ای که زنان و اطفال و اهل فامیل یک فرد بودباش دارد کسی اخلاقاً و قانوناً حق دارد از زمین و فضاء با سلاح های مختلف بر آن فیر نموده بمباران و راکت اندازی نماید و یا خیر؟ هموطنان گرامی!
- برای من از مجموع این عملیات "قهرمانه!!" دو نکته قابل اهمیت است:

۱- این که اگر در عقب این عملیات و خشونت غیر انسانی کدام چل و حرامزادگی وجود نداشته است، دولت به هر دلیلی که بود می خواست آن فرد را دستگیر نماید مگر علی رغم ۲۴ ساعت جنگ و گلوله باری و کشتن زخمی ها، نتوانست شخص "قیصاری" را دستگیر نماید.

این یعنی، عملیات یک عملیات ناکام بود زیرا نتوانست هدف تعیین شده را که دستگیری "قیصاری" بود، بر آورده سازد. بناءً تمام ادعا هائی که اکنون وزارت داخله، قطعاً ۲۰۹ شاهین و نیروهای هوایی دولت دست نشانده می نمایند و دم از پیروزی می زنند، دروغ و لافزنی است. مگر این که در اساس پذیرفته شود که هدف از عملیات دستگیری "قیصاری" نه، بلکه ویران کردن خانه اش، کشتار بیدریغ افراد و مهمانانش و ایجاد جو رعب و وحشت در سراسر مزار و متواری ساختن وی بوده است. هرگاه هدف چنین بوده باشد، می باید از قضاتی پرسیده شود که به کدام حق دستور قتل و بازداشت کسانی را صادر نموده اند، که اصلاً نمی دانستند چه کسی هستند؟ عالم هستند یا عامی، قاتل هستند یا قربانی؟ و ...

۲- دومین نکته ای که نمی توان در موردش فکر ننمود، در اساس تمام عملیات را یک حرکت حساب شده استخباراتی دانستن است. آنچه در عنوان مطلب هم آمده است:

این را می دانیم که "غنی احمدزی" جداً تصمیم دارد تا تمام رقباء و مخالفانش را نابود نماید. برای نابودی تعدادی از آنها تیم های مرگ می تواند کارائی داشته باشد که عمل شان را یا به صورت انتحاری انجام می دهند و یا هم به شکل ترور های مرموز و ظاهراً پوشیده. مگر جهت تعدادی از حریفان که متوجه امنیت خود هستند، آن تیم ها اولاً موفقیت ندارند در ثانی اگر موفقیتی هم بیابند، عواقب کار هزینه امنیتی زیادی را باعث می شود، مثلاً کشتن "عطا"، کشتن "دوستم" و یا کشتن "محقق"، به وسیله افراد متعلق به باند ارگ یقیناً امر ساده ای نیست و بدون هزینه باقی نمی ماند. در چنین حالتی، فردی از قماش "قیصاری" را آگاهانه فراری ساختن و وی را به جان رقباء و دشمنان حاکمیت انداختن، نه تنها کمترین زیان و ضرری برای حاکمیت ندارد، بلکه تضاد های درون قومی را نیز حدت بخشیده به باندارگ امکان می دهد تا هرچه بیشتر از آن علیه مردم و به نفع خود استفاده نماید. آنچه می تواند پایه و اساس این حدس و گمان باشد، طبق دقت در برخی از اخبار، یکشنبه روز قبل "قیصاری" زنان و اطفال خانواده اش را از منزل جای دیگری فرستاده بود و این نشان می دهد که وی ۲۴ ساعت قبل از حمله، می دانست که مورد حمله قرار می گیرد. آیا این اطلاع نتیجه یک حرکت نفوذی بود و یا سازشکاری استخباراتی، امریست که در آینده روشن خواهد شد.

این شیوه زیاد در تاریخ افغانستان جدید و ناشناخته نیست زیرا تا جایی که از مطالعه اسناد جنبش انقلابی افغانستان بر می آید و تا جایی که بزرگسالان خانواده نقل می نمایند، دولت های "ظاهر" و "داوود" می خواستند با همین تکنیک، صوفی "غلام حضرت" را به جان زنده یاد "مجید کلکانی" و یاران نزدیکش بیندازند که فقط در پرتو درایت و دورنگری خردمندان زنده یاد "کلکانی" تلاشهای "صوفی" و باندش به بار ننشست. بلافاصله باید افزود که در ارائه مثال، منظور روشن ساختن و سابقه یک تکنیک استخباراتی است، نه این که خواسته باشم فرزند دلیر خلق زنده یاد "کلکانی" را با یکی از قاتلان فرزندان مردم "دوستم" مقایسه نمایم.

هموطنان گرامی!

حمله بر خانه "قیصاری" اگر برنامه استخباراتی نبوده باشد، زنگ خطر است برای تمام مردم افغانستان، بدان معنا که "غنی احمدزی" به زور بدارانش تصمیم گرفته، هر نوع مقاومتی را با زور اسلحه نابود و سرکوب نماید.

سرکها ما را می طلبند!